

## مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد

سید علیرضا افشانی، دانشیار گروه تعاون و رفاه اجتماعی دانشگاه یزد، ایران\*

اکرم جنتی‌فر، کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد، ایران

### چکیده

مشارکت را نوعی کنش هدفمند در فرآیند تعاملی بین کنشگر و محیط اجتماعی برای نیل به اهداف معین و از پیش تعیین شده، تعریف کرده‌اند. پژوهش حاضر به مقایسه میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد پرداخته است. تحقیق از نوع پیمایشی است و داده‌ها با ابزار پرسشنامه و با استفاده از ترکیبی از شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای و از میان ۶۴۲ دانش‌آموز در مدارس دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد گردآوری شده است. یافته‌های تحقیق نشان داد بین مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی و مدارس غیرانتفاعی تفاوت معناداری وجود دارد؛ بدین معنا که مشارکت دانش‌آموزان مدارس دولتی بیش از دانش‌آموزان مدارس غیرانتفاعی است. همچنین بین متغیرهای میزان استفاده از وسائل ارتباط جمعی، میزان اعتماد اجتماعی، میزان دینداری و میزان انسجام هنجاری با میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان رابطه معنادار و مستقیمی وجود دارد. همچنین بین متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان بیگانگی اجتماعی با مشارکت اجتماعی نیز رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. بین متغیرهای جنس و تقدیرگرایی با مشارکت اجتماعی رابطه معنی‌داری مشاهده نشد. با استفاده از واریانس خطی ترکیب متغیرهای مستقل، در مجموع بیش از ۴۱ درصد از تغییرات میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان تبیین گردید. **کلیدواژه‌ها:** مشارکت اجتماعی، دانش‌آموز، مدارس دولتی، مدارس غیرانتفاعی، شهر یزد.

## مقدمه و بیان مسأله

مشارکت<sup>۱</sup> از دیرباز با زندگی انسان پیوند داشته است. توجه به پدیده مشارکت اجتماعی از دویست سال پیش در نظام‌های سیاسی و اجتماعی جوامع غرب راه یافت لیکن این توجه و تأکید بر نقش آن به‌عنوان یکی از عوامل اصلی توسعه در جوامع در حال توسعه، تا حد بسیاری پس از شکست راهکارها و برنامه‌های توسعه‌ای اتفاق افتاد که در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ از غرب وارد کشورهای در حال توسعه شده بودند. در بررسی و ارزیابی این برنامه‌ها، بهره‌نگرفتن از مشارکت مردمی، عامل اصلی شکست برنامه‌های توسعه ارزیابی شده است؛ لذا پس از آن، استراتژی‌های توسعه بر رویکرد مشارکت مردمی به‌عنوان نیاز اصلی بشر تأکید نمودند. امروزه به مشارکت به‌عنوان مؤلفه اصلی و تفکیک‌ناپذیر توسعه نگریسته می‌شود و روزه‌روز بر اهمیت و ضرورت آن بیشتر تأکید می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در گزارش توسعه انسانی<sup>۲</sup> برنامه توسعه سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> (۱۹۹۳) عنوان شده است: «موضوع مشارکت مردم، رفته‌رفته به‌صورت مسأله اصلی زمان ما در می‌آید» (آتال و اوین<sup>۴</sup>، ۱۳۷۹: ۲۷).

مشارکت اجتماعی بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دلالت دارد که معمولاً خصلتی محلی و غیر دولتی دارند و در قالب سیاست‌های اجتماعی، مشارکت و درگیر ساختن مردم در فرآیندهای اجتماعی مختلف را هدف خود می‌دانند. به‌عبارتی، مشارکت اجتماعی «به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند» (محسنی تبریزی، ۱۳۶۹: ۱۰۸).

بیرو<sup>۵</sup> اصطلاح مشارکت را به معنای «سهمی در چیزی

یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابراین با آن همکاری داشتن» تعریف کرده است (بیرو، ۱۳۶۶: ۲۵۷).

به نظر میدگلی<sup>۶</sup> «مشارکت اجتماعی ایده‌ای کاملاً ایدئولوژیکی است که بازتاب اعتقادات ناشی از نظریه‌های اجتماعی و سیاسی در خصوص این‌که جوامع چگونه باید سازماندهی شوند است. منطق آن مبتنی بر واکنش در برابر تمرکزگرایی، دیوانسالاری، انعطاف‌ناپذیری و در دسترس نبودن دولت است و با این اعتقاد مورد حمایت واقع شده که قدرت دولت به‌گونه‌ای بسط و گسترده‌ای فزاینده‌ای پیدا کرده که با کنترل بر امور جوامع، حقوق و آزادی‌های مردم عادی را تقلیل داده است» (Midgely, 1986:64).

دانش‌آموزان در مدرسه عناصری زنده و پویا هستند و در تحقق یافتن اهداف آموزش و پرورش نقش دارند. مشارکت دانش‌آموزان دوره متوسطه در امور مدرسه با توجه به ویژگی‌ها و خصایص شخصیتی نوجوانان در این دوره سنی اهمیت دارد. در این مرحله از رشد فیزیکی و فکری، استفاده از وجود دانش‌آموزان در امور مدرسه در افزایش اعتماد به نفس، ارضای غرور جوانی و سایر ویژگی‌های شخصیتی آنان تأثیر می‌گذارد. برای جلب مشارکت دانش‌آموزان در امور مختلف مدرسه، مسؤولان مدارس باید به حساسیت رفتاری آنان توجه کنند.

مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه بر افزایش اعتماد به نفس، دوری از خود محوری، گرایش به جمع و افزایش فعالیت و پویایی ذهنی آنان تأثیر می‌گذارد؛ به این ترتیب، مدرسه به نهادی تبدیل می‌شود که در فرآیند اجتماعی‌شدن نوجوانان سهم عمده‌ای دارد. علاوه بر بعد روانی - شخصیتی، مشارکت دانش‌آموزان در بعد اجتماعی و در سطوح خرد و کلان جامعه تأثیر می‌گذارد. اگر مشارکت دانش‌آموزان در امور مختلف به‌صورتی سازمان یافته و مطابق با برنامه‌هایی که مدرسه تدارک می‌بیند صورت گیرد، آنان به فعالیت سازمانی

<sup>1</sup> Participation

<sup>2</sup> Human Development Report

<sup>3</sup> United Nations Development Program

<sup>4</sup> Atal & Evin

<sup>5</sup> birou Allen

<sup>6</sup> Midgely

مسئولان مدارس و آموزش و پرورش از نتایج آن‌هاست. از این رو این پژوهش قصد دارد به بررسی میزان مشارکت اجتماعی و عوامل مرتبط با آن در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر یزد بپردازد. پژوهش حاضر اهداف جزئی‌تری چون شناسایی تفاوت میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی بر حسب جنس، شناسایی رابطه میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی آنان، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی توسط آنان، میزان اعتماد اجتماعی، میزان دینداری، میزان بیگانگی اجتماعی، میزان تقدیرگرایی و میزان انسجام هنجاری آنان را نیز مورد نظر دارد.

#### پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق نیازی و بحری‌پور (۱۳۹۳) نشان داد هرچه میزان مشارکت اجتماعی در سطح رسمی و غیر رسمی در جامعه بیشتر است به همان میزان احساس امنیت نیز بیشتر خواهد بود.

علیزاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان دادند بین مشارکت اجتماعی و کیفیت زندگی همبستگی مستقیم و معناداری وجود دارد.

پارسامهر و اسکندری‌فرد (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

نوابخش و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌ها نشان داد بین سن و وضعیت تأهل افراد با میزان مشارکت آن‌ها رابطه وجود دارد.

اسدالهی و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد همچنین جنسیت، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وضعیت تأهل و

خو می‌گیرند. تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها و مشخص شدن نقش هر کدام از دانش‌آموزان در فعالیت‌های گروهی سبب می‌شود که انضباط اجتماعی محور فعالیت‌های آنان قرار گیرد؛ به این ترتیب، مدرسه علاوه بر این‌که از ماحصل کار و فعالیت دانش‌آموزان برای پیشبرد امور خود و رسیدن به اهداف آموزشی و پرورشی استفاده می‌کند، در آماده کردن نوجوانان امروز و جوانان آینده برای پذیرش نقش و قبول مسئولیت در فعالیت‌های مختلف جامعه مؤثر واقع می‌شود؛ به این ترتیب، کارکرد مشارکت دانش‌آموزان از سطح خرد به سطح کلان جامعه منتقل می‌شود و چنین افرادی در آینده در امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه مشارکت فزاینده‌ای خواهند داشت.

علاوه بر این یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به توسعه در هر جامعه، میزان مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در امور مختلف است. انسان مدرن، شهروندی مشارکت‌کننده و آگاه است و نسبت به انجام وظایف و کارها احساس مسئولیت می‌کند. هر اندازه آگاهی و احساس مسئولیت افراد در قبال جامعه بیشتر است، به همان اندازه مشارکت داوطلبانه آنان افزایش می‌یابد و سهم بیشتری در توسعه جامعه خواهند داشت. البته این موضوع درباره دانش‌آموزان که آینده‌سازان هر کشور به حساب می‌آیند اهمیت بیشتری می‌یابد.

یکی از مشکلات موجود در اغلب مدارس، پایین بودن میزان مشارکت دانش‌آموزان در امور مدرسه است. بررسی‌ها و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این مورد، مؤید همین امر است (ر.ک. عباس‌زادگان، ۱۳۷۲؛ وکیلی، ۱۳۶۲؛ رحیمی، ۱۳۷۲: ۸۳). به‌نظر می‌رسد که برای مشارکت فعال همه دانش‌آموزان در مدارس، برنامه‌ها و خط‌مشی‌های مناسبی وجود ندارد. واگذاری امور مدرسه و مسئولیت‌ها به دانش‌آموزان خاص در بعضی از مدارس، سبب کاهش روحیه مشارکت‌جویی در میان دانش‌آموزان می‌شود. اتخاذ شیوه‌های مناسب برای افزایش مشارکت دانش‌آموزان مستلزم بررسی‌های علمی و استفاده

داشتن قدرت سیاسی، بیگانگی سیاسی، رضایت‌مندی از عملکرد مسؤولان شهری، احقاق حقوق شهروندی و استفاده از رسانه‌های جمعی با متغیر وابسته مشارکت اجتماعی رابطه معناداری دارند.

نتایج پژوهش پناهی و دهقانی (۱۳۹۱) نشان داد که تمامی متغیرهای تحقیق، به غیر از جنسیت و مشارکت رسمی با شادی رابطه دارند. نتایج حاصل از تحلیل چند متغیره نیز گویای آن است که متغیرهای ارضای نیازها، اعتماد به دیگران و مشارکت اجتماعی غیر رسمی به ترتیب بیشترین تأثیر را بر شادی دانشجویان دارند.

تحقیق سراج‌زاده و همکاران (۱۳۹۱) نشان داد میزان بالایی از احساس بیگانگی در بین پاسخگویان وجود دارد و مطابق با نظریه‌های کارکردگرایانه دین، دینداری عامل کاهنده بیگانگی اجتماعی است.

کلانتری و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند بین متغیرهای محل سکونت، سن، دینداری و رسانه‌ها و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. در حالی که بین خرافات اجتماعی، جنسیت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی و از خود بیگانگی اجتماعی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جهان و همکاران (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که بین میزان استفاده از چندرسانه‌ای‌ها با جذب دانش‌آموزان به مشارکت در ترویج و توسعه تعاونی‌ها و مشارکت در شورای دانش‌آموزی رابطه معنادار وجود دارد. دیگر نتایج مبین آن است که بین میزان کاربرد چندرسانه‌ای‌ها توسط مربیان و جذب دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های پرورشی رابطه معناداری وجود ندارد.

فتحی و فدوی (۱۳۹۰) به این نتیجه رسیدند که مشارکت غیر رسمی همیارانه، بالاترین میانگین و مشارکت رسمی، پایین‌ترین میانگین را در بین ابعاد مشارکت دارد.

نتایج تحلیل کمی مطالعات سفیری و تمیز (۱۳۹۰) نشان داد در سطح خرد، مشارکت اجتماعی افراد بیشتر بر اساس رفع نیازهای مادی است (ارزیابی فایده). در ارتباط با عنصر

تقدیرگرایی از دیگر متغیرهای موثر بر مشارکت هستند.

عطافر و همکاران (۱۳۹۲) نشان دادند با افزایش مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران، میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان نیز ارتقا می‌یابد. از طرفی میانگین مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان بر حسب میزان به کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع دینی-مذهبی و بر حسب میزان به کارگیری مهارت‌های مدیریت تنوع قومی-نژادی نیز متفاوت و معنادار بوده است.

نتایج تحقیق زکی و خشوعی (۱۳۹۲) در زمینه سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان نشان داد که بیگانگی اجتماعی، روابط معنادار منفی به صورت جداگانه با چهار متغیر تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مسئولیت اجتماعی و سلامت اجتماعی داشته است. نتایج تحلیل مسیرف مبین آن است که بیگانگی اجتماعی به‌طور مستقیم بر سلامت اجتماعی و به‌طور غیر مستقیم از طریق سه متغیر تعهد اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مسئولیت اجتماعی بر سلامت اجتماعی تأثیر داشته است. با افزایش بیگانگی اجتماعی از میزان سلامت اجتماعی شهروندان اصفهان کاسته شده است.

نتایج حاصل از پژوهش وثوقی و ساری (۱۳۹۲) نشان داد بی‌هنجاری رایج‌ترین گونه بیگانگی در میان جوانان است و پس از آن بی‌معنایی در رتبه دوم، از خودبیزاری در رتبه سوم، انزوای اجتماعی در رتبه چهارم و بی‌قدرتی در رتبه آخر قرار دارند. همچنین پدیده بیگانگی اجتماعی در بین دختران و پسران جوان وضعیت یکسانی را دارد.

یافته‌های تحقیق توفیق‌پان‌فر و حسینی (۱۳۹۱) نشان داد که متغیرهای اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی جمعی، میزان همنوایی اجتماعی و میزان رضایت از زندگی با بیگانگی اجتماعی رابطه معناداری دارند و قوی‌ترین رابطه مربوط به متغیر اعتماد اجتماعی است.

مظلوم‌خراسانی و همکاران (۱۳۹۱) نشان دادند متغیرهای سن، جنس، تحصیلات، شغل، درآمد، احساس تعلق شهری،

چهارگانه بیگانگی (احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌ریشه‌گی، احساس پوچ‌گرایی و احساس بی‌مخاطرگی) می‌پردازد. نتایج نهایی تحقیق بازگوکننده آن است که این ابزار از پایایی  $0/927$  و روایی مقبول و مطلوبی برخوردار است.

نتایج پژوهش نوروزی و بختیاری (۱۳۸۸) حاکی از میزان مشارکت اجتماعی - سیاسی متوسط به پایین در شهرستان خدابنده است. همچنین همبستگی معنی‌داری بین متغیرهای سن، جنسیت، طبقه اجتماعی، محل سکونت، عام‌گرایی، آینده‌نگری، بیگانگی اجتماعی - سیاسی، اعتماد، ساختار خانواده، تعلیم و تربیت، رسانه‌های گروهی و تقدیرگرایی با متغیر مشارکت اجتماعی - سیاسی وجود دارد.

نتایج مطالعه سفیری و صادقی (۱۳۸۸) نشان داد رابطه متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس بی‌قدرتی و خودپنداره با مشارکت اجتماعی معنادار است و بیشترین تأثیر را متغیر اعتماد اجتماعی بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دارد. نتایج تحقیق علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازمان یافته رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب رگرسیونی نیز نشان داد که از میان متغیرهای مورد بررسی، اعتماد و پایگاه اجتماعی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای مشارکت اجتماعی هستند.

یافته‌های پژوهش موسوی (۱۳۸۵) نشان داد از بعد ذهنی، در بین شهروندان و همچنین بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی اعتمادپذیری وجود ندارد و همین سبب شده است که بعد عینی مشارکت اجتماعی، یعنی شبکه تعاملات اجتماعی شکل نگیرد و در نتیجه مشارکت اجتماعی تحقق پیدا نکند.

بر اساس یافته‌های دهقان و غفاری (۱۳۸۴) هر چند بیشتر متغیرهای مورد بررسی با مشارکت اجتماعی - فرهنگی دانشجویان رابطه معناداری را نشان می‌دهند اما در مجموع توان تبیین آن‌ها در واریانس متغیر وابسته تحقیق در سطح بالایی قرار ندارد. به نظر می‌رسد عوامل فرافردی و کلان خارج از مجموعه نهاد دانشگاه باید تأثیر قابل ملاحظه‌ای در

ساختاری (کلان)، ساختار ارزشی و هنجاری جامعه حایز اهمیت است؛ در عنصر فرآیندی (میانی) نیز سرمایه اجتماعی مورد نظر است که دارای ابعاد آگاهی و اعتماد اجتماعی و میزان استفاده از رسانه (میزان استفاده از تلویزیون و رادیو) است و بر مشارکت اجتماعی مؤثر است در نهایت، متغیر کسب منفعت مادی، با بیشترین ضریب شدت تأثیر، اثر گذارترین عامل بر مشارکت اجتماعی افراد است.

پژوهش بنی‌فاطمه و رسولی (۱۳۸۹) نشان‌دهنده وجود رابطه معنی‌دار بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی به عنوان متغیرهای مستقل و بیگانگی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته تحقیق است.

نتایج پژوهش علمی و همکاران (۱۳۸۹) نشان داد بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی دانشجویان رابطه معنی‌داری وجود ندارد اما در بین مؤلفه‌های بیگانگی اجتماعی، احساس انزوای اجتماعی با میزان مشارکت سیاسی رابطه معنی‌داری دارد و دیگر مؤلفه‌های بیگانگی رابطه‌ای با مشارکت سیاسی ندارند.

نتایج پژوهش سروش و افراسیابی (۱۳۸۹) نشان داد میزان تحصیلات بر میزان مشارکت تأثیر داشته است. کسانی مشارکت اجتماعی بیشتری می‌کنند که کیفیت روابط بالاتر و از حمایت‌های بیشتری داشته‌اند و بیشتر به هنجار عمل متقابل اعتقاد داشته باشند؛ به علاوه جوانانی که دارای هویت ملی و دینی قوی‌تر و هویت جنسیتی مدرن‌تری هستند، مشارکت بیشتری دارند.

تحقیق زکی (۱۳۸۸) ضمن سعی در بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان (دانشجویان دانشگاه اصفهان) برای اولین بار در ایران، آزمون ابزار و مدل نظری مدی<sup>۱</sup> و همکاران (۱۹۷۹) استفاده کرده است. ابزار بیگانگی اجتماعی مدی و همکارانش (۱۹۷۹) به سنجش و اندازه‌گیری همزمان ابعاد پنج‌گانه بیگانگی (بیگانگی از خود، از کار، از خانواده، از روابط اجتماعی و از نهادهای اجتماعی) و همچنین اشکال (فرم‌های)

<sup>1</sup> Maddo & et al.

جامعه‌شناختی در آن‌ها بررسی شود (Bekker, 2003).

پرایس در تحقیقی با انجام مصاحبه‌های عمیق با ۳۲ نفر از رهبران انجمن‌های داوطلبانه در تگزاس، نتیجه گرفته است که علی‌رغم تأکیدات بر نقش فرهنگ و ارزش‌ها در چنین فعالیت‌هایی، متغیرهای اقتصادی در متأثر ساختن درگیری و فعالیت افراد در این انجمن‌ها اهمیت بسیاری دارد (Price, 2002).

مکنیل با بررسی الگوهای مشارکت‌دهی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق‌برنامه دبیرستان‌ها در یافته است که دانش‌آموزان با پایگاه اقتصادی-اجتماعی بالاتر توانایی بیشتر و تمایل مطلوب‌تری برای مشارکت در فعالیت‌های فوق‌برنامه مدرسه از خود نشان داده‌اند. در این ارتباط دانش‌آموزان اقلیت‌ها نیز تقریباً هم‌وزن سفیدپوستان چنین تمایلی داشته‌اند (Mcneal, 1998).

پژوهش سیلیکر و کوئیرک نشان داده است که فعالیت‌های مشارکتی فوق‌برنامه میزان موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان را ارتقا داده است و در این ارتباط، موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دختر نسبت به پسران قابل توجه بوده است (Silliker & Quirk, 1993).

### مبانی نظری

واژه مشارکت از نظر لغوی به معنای درگیری و تجمع برای منظوری خاص است. در مورد معنای اصطلاحی آن بحث‌های فراوانی شده است ولی در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست (میرموسوی، ۱۳۷۵: ۷۵). از دیدگاه واژه‌شناسی، مفهوم مشارکت با تعاون، همیاری و دیگریاری متفاوت است. هرچند در بعضی متون، این کلمات را به صورت معادل به کار می‌برند. از مفهوم مشارکت تفسیرهای متعددی شده است. گوناگونی تفسیرها سبب شده است تا برخی آن را به کیسه‌شناسی تشبیه کنند که عده‌ای تمایل دارند با در اختیار داشتن آن هر آن چه دلخواهشان است از آن بیرون بکشند (سلیمی، ۱۳۸۹: ۵۹).

میزان و چگونگی مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان داشته‌اند.

نتایج پژوهش رحیمی (۱۳۷۲) نشان داد رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی با مشارکت، از نظر آماری معنی‌دار نیست و دختران بیشتر از پسران مشارکت می‌کنند. بین نحوه اداره محیط‌های آموزشی با مشارکت رابطه معنا‌دار وجود دارد. عوامل و انگیزه‌هایی از قبیل احساس وظیفه، آشنایی با مسائل و امور اجتماعی و کارهای دسته جمعی کسب تجربه و علاقه‌مندی به محیط مدرسه بر مشارکت تأثیر دارد. عوامل و انگیزه‌هایی از قبیل وجود تبعیض در واگذاری مسئولیت‌ها، سخت‌گیری در محیط مدرسه، نبودن فرصت اظهار نظر، قدردانی و تشویق نکردن، اعتماد به نفس نداشتن، گوشه‌گیری، کمبود وقت و سنگینی دروس بر مشارکت نداشتن تأثیر دارد.

رویست و همکاران در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که ۶۳ درصد دانش‌آموزان با اظهار نظر در کلاس و ۵۸ درصد در سازماندهی و انتظامات مدرسه مشارکت خود را بروز می‌دهند. دانش‌آموزان با سنین کمتر، مشارکت بیشتری دارند. علاوه بر آن، مشارکت با موفقیت تحصیلی، سلامتی، احساس رضایت از زندگی و نشاط دانش‌آموزان ارتباط دارد (Roiste & et al., 2012).

نتایج پژوهش مصطفی و همکاران در مالزی نشان داد که دخترها بیش از پسرها مشارکت دارند. علاوه بر آن ویژگی همکلاسی‌ها و به‌خصوص استادان و روش‌هایی که در زمینه آموزش مشارکت به کار می‌گرفتند، در ارتقای مشارکت دانشجویان نقش اساسی دارد (Mustapha & et al., 2010).

بکر در پژوهشی با تحلیل داده‌های ثانویه به بررسی سهم عوامل جامعه‌شناختی مانند تحصیلات، درآمد، وابستگی مذهبی و سرمایه اجتماعی و عوامل روان‌شناختی مانند نوع شخصیت در توضیح فعالیت در انجمن‌های داوطلبانه می‌پردازد و در پایان نتیجه می‌گیرد که عوامل روان‌شناختی در صورتی قادر به تبیین این مسأله هستند که تأثیر عوامل

راجرز<sup>۴</sup> از نظریه‌پردازانی است که به رابطه بین تقدیرگرایی و مشارکت اشاره می‌نماید. وی در تحلیل خود بر ویژگی‌های فردی، روانی و انگیزشی تأکید می‌کند و معتقد است که از لحاظ روانی باید نوعی آمادگی برای پذیرش تغییرات نو و جدید در افراد وجود داشته باشد. وی معتقد است که عناصری چون انگیزه‌ها، ارزش‌ها و وجه‌نظرها - در قالب خرده فرهنگ دهقانی - عناصر اصلی و کلیدی برای فهم رفتار به شمار می‌آیند. به نظر او عناصر خرده فرهنگ دهقانی، عناصری هستند که مانع نوآوری و پذیرش تغییرات در جوامع می‌شوند و به تعبیری مانع تجدد، نوسازی و همچنین مشارکت نیستند (موسوی، ۱۳۸۴: ۳۰۴). راجرز ویژگی‌هایی را برای خرده فرهنگ دهقانی بر می‌شمرد که از آن جمله تقدیرگرایی<sup>۵</sup> است. وی تقدیرگرایی را به درجه‌ای از درک فرد نسبت به نداشتن توانایی در مورد کنترل آینده تعریف کرده است (ازکیا، ۱۳۷۴: ۵۹). او معتقد است افراد در مورد کنترل حوادث آتی دارای وجه نظرهایی نظیر بی‌ارادگی، بدگمانی، تسلیم، بردباری، نرمش و گریز هستند و در نتیجه روحیه تقدیرگرایی در میان آنان یکی از عواملی است که مانع پذیرش نوسازی، تغییر و در نهایت مانع مشارکت می‌شود.

یکی دیگر از متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. کلمن معتقد است اعتماد «قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند». علاوه بر آن، وی اعتقاد دارد که اعتماد در متن کنش‌های انسانی نمود پیدا می‌کند، به خصوص آن دسته از کنش‌ها که جهت‌گیری آن‌ها معطوف به آینده است. نکته قابل توجه این است که اعتماد به طور ضمنی پیش شرط اصلی مشارکت در رابطه بر هم کنشی شمرده می‌شود (کلمن<sup>۶</sup>، ۱۳۷۷: ۲۹۷). پاتنام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی می‌داند که به مشارکت به طور متقابل وابسته است. به نظر وی اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل‌گیری و

درک متخصصان و کارشناسان از مفهوم مشارک متفاوت اما نزدیک به هم است. در اغلب تعاریف مشارکت، بر مسأله شرکت در عمل تصمیم‌گیری به عنوان یک رکن اساسی تأکید شده است اما در خصوص سایر جنبه‌های آن اتفاق نظر وجود ندارد. در مجموع، در تعاریف، ماهیت و محتوای مشارکت وحدت نظر به چشم نمی‌خورد. به گونه‌ای که بسیاری از نویسندگان به ناممکن بودن ارائه تعریفی جهان‌شمول از مشارکت معتقدند. مروری بر تعاریف مشارکت می‌تواند ما را به سمت تعریفی جامع یاری دهد (رضادوست و همکاران، ۱۳۸۸: ۹۹). با توجه به این که نظریه واحدی که بتواند بحث مشارکت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن را تبیین نماید وجود ندارد، در پژوهش حاضر از یک چارچوب نظری ترکیبی به تفکیک متغیرهای مستقل تحقیق برای تبیین رابطه این متغیرها با میزان مشارکت اجتماعی استفاده شده است که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

در میان عناصری که بر مشارکت اثر می‌گذارد دین نقش مهمی دارد. دین یکی از عوامل سازنده کارکردهایی است که مشارکت اجتماعی نیز به نوعی آن‌ها را داراست. «افراد بر حسب دین و مذهبی که دارند ممکن است منشأ مشارکت باشند، مانند حضور و فعالیت در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی» (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۰: ۱۳). حتی به گفته وبر<sup>۱</sup>: «مذهب می‌تواند شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد کند که برای روابط تجاری و مبادله اقتصادی نیز ضروری است» (فوکویاما<sup>۲</sup>، ۱۳۷۹: ۱۵۳). این اعتماد خود زمینه‌ساز مشارکت بیشتر است. ایوانز<sup>۳</sup> نیز بر نقش فعالیت‌ها و مناسک دینی در بهبود کنش‌های متقابل افراد در پیوند و اعتماد آن‌ها به یکدیگر تأکید می‌کند و معتقد است که رفتار دینی با سایر مومنان، دوستان و اعضای خانواده می‌تواند گامی برای ایجاد مشارکت اجتماعی تلقی شود (ایوانز، ۱۳۷۹: ۱۶۵-۱۶۲).

<sup>4</sup> Rogers

<sup>5</sup> Fatalism

<sup>6</sup> Colman

<sup>1</sup> Weber

<sup>2</sup> Fukuyama

<sup>3</sup> Evans

## بیگانگی فرهنگی.

به نظر سیمن، اندیشه ناتوانی رایج‌ترین کاربرد را در متون موجود دارد. احساس بی‌قدرتی یا ناتوانی، عبارت است از احتمال و یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی‌تأثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار نیست و وی را به هدفی که بر اساس آن کنش او تجهیز شده است رهنمون نیست (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۸). اگر افراد احساس کنند که کنش آن‌ها در ساختن دنیای آن‌ها بی‌بهره است و احساس بی‌قدرتی به آن‌ها دست دهد، هرگز وارد مشارکت و مباحثه نمی‌شوند. این که افراد وارد مشارکت می‌شوند و در ساختن دنیای خود مشارکت می‌کنند، به سبب این است که این فرض را با خود دارند که مباحثه و مشارکت آن‌ها تأثیری در ساختن دنیای خودشان دارد. اگر افراد احساس کنند که مشارکت آن‌ها فایده‌ای ندارد و احساس بی‌قدرتی کنند، وارد کنش مشارکتی نمی‌شوند (سفیری و صادقی، ۱۳۸۸: ۱). علاوه بر آن‌ها، مرتون<sup>۲</sup> نیز معتقد است وقتی جامعه کلاً بر فرد کنترل داشته است فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد؛ زمانی که هدف و هنجار از دید فرد پوچ و بی‌محتواست، وی احساس جدایی و انزوای اجتماعی می‌کند و زمانی که ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را نپذیرد دچار احساس بی‌هنجاری می‌شود. به نظر مرتون، هر سه جنبه بیگانگی؛ یعنی احساس بی‌قدرتی، انزوا و بی‌هنجاری در مجموع و یا به صورت منفرد در فرد می‌تواند تظاهر کند. وی منبع این بیگانگی را شرایط آنومیک معرفی می‌کند و معتقد است که شرایط آنومی اثرات متفاوتی بر افراد با توجه به موقعیت‌های مختلفی که آن‌ها در ساختار اجتماعی اشغال کرده‌اند می‌گذارد (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۲-۵۹) و تنها در صورتی که فرد دچار کنش انزواگرا شود در مسائل پیرامون خود مشارکت نمی‌کند.

کوئن<sup>۳</sup> در مورد تأثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی افراد بر مشارکت معتقد است که معمولاً هر چه طبقه اجتماعی بالاتر

تشکیل انجمن‌ها فراهم می‌سازد (Putnam, 1995:65). پاتنام عقیده دارد که اعتماد، مشارکت را تسهیل می‌بخشد و هر چه سطح آن در جامعه بالاتر است، احتمال مشارکت نیز بیشتر است و مشارکت نیز متقابلاً اعتماد بیشتری ایجاد می‌کند. راجرز نیز در نظریه خرده فرهنگ دهقانی خود، به عواملی اشاره می‌کند که وجود آن‌ها تجدد و مانع مشارکت می‌گردد که از آن جمله، نبود اعتماد متقابل در روابط شخصی است. به نظر راجرز یکی از ویژگی‌های مهم جوامع سنتی، نبود اعتماد متقابل، بدگمانی و حیل‌گری در روابط با یکدیگر است. هرچند که از نظر ردفیلد، ممکن است در این رابطه، استثنایی وجود داشته است (Redfield, 1930:126). ولی در مجموع از نظر راجرز وجود این خصیصه در افراد مانع مشارکت می‌گردد.

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار می‌توان به انسجام هنجاری اشاره کرد. به نظر کلمن آن‌چه سبب مبادله و مشارکت در اجتماعات مختلف می‌شود، انسجام هنجاری است که با ضمانت‌های اجرایی همراه است و سبب تقویت اعتماد می‌شود (کلمن، ۱۳۷۷: ۲۸۸). چلبی نیز نظم اجتماعی را مبتنی بر انسجام هنجاری اجتماعی می‌داند. هنجارهایی که امکان پیش‌بینی رفتار دیگران را میسر می‌سازند و زمینه همکاری و مشارکت افراد را با یکدیگر فراهم می‌آورند و در مجموع، به همبستگی اجتماعی منجر می‌شوند. از نظر وی، اعتماد اجتماعی یکی از مشخصه‌های همبستگی اجتماعی است که پیوند نزدیکی با عناصر نظم اجتماعی دارد (چلبی، ۱۳۷۵: ۵۳) و همان‌طور که پیشتر گفتیم، اعتماد اجتماعی یکی از پیش‌شرط‌های مشارکت اجتماعی است.

در باب تأثیر بیگانگی اجتماعی بر مشارکت اجتماعی، ملوین سیمن<sup>۱</sup> نوعی تیپ‌شناسی را ارائه می‌دهد که عبارت است از: ۱- احساس بی‌قدرتی؛ ۲- بی‌معنایی یا احساس بی‌معنایی؛ ۳- بی‌هنجاری یا احساس نابهنجاری؛ ۴- احساس انزوای اجتماعی؛ ۵- بیگانگی از خویش‌ن و ۶-

<sup>2</sup> Morton

<sup>3</sup> Cohen

<sup>1</sup> Seeman



فرضیات تحقیق بر اساس چارچوب و مدل نظری تحقیق، بدین صورت تدوین شده است:

- بین میانگین میزان مشارکت اجتماعی در دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی تفاوت وجود دارد.

- بین میانگین میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

- بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین میزان استفاده از رسانه و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین دینداری و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین تقدیرگرایی و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

- بین میزان انسجام هنجاری و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی و غیر انتفاعی رابطه وجود دارد.

است احتمال مشارکت و درگیری در فعالیت‌های اجتماعی نیز بیشتر است. به نظر وی «سطح مشارکت فعال در کلوپ‌ها و باشگاه‌های محلی، انجمن شهری، انجمن خانه و مدرسه و سازمان سیاسی در میان اعضای طبقات پایین جامعه، کمتر است» (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۱۸۵). هانتینگتون و نلسون نیز در زمینه رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی و مشارکت معتقدند که کسب پایگاه‌های اجتماعی بالاتر، در فرد احساس قدرت و نگرش‌های معطوف به قدرت تأثیر نهادن بر تصمیم‌گیری‌های دستگاه عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی-سیاسی است (رضایی، ۱۳۷۵: ۵۵). دوایت‌دین<sup>۱</sup> نیز به موضوع مشارکت افراد توجه کرده است و با استفاده از سه مفهوم بی‌قدرتی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی، رفتار رأی‌دهندگان را تحلیل می‌کند. او به این نتیجه می‌رسد که این سه مفهوم بر رفتار مشارکتی افراد اثر می‌گذارد و این سه مفهوم خود، متأثر از پایگاه اجتماعی هستند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۴۸).

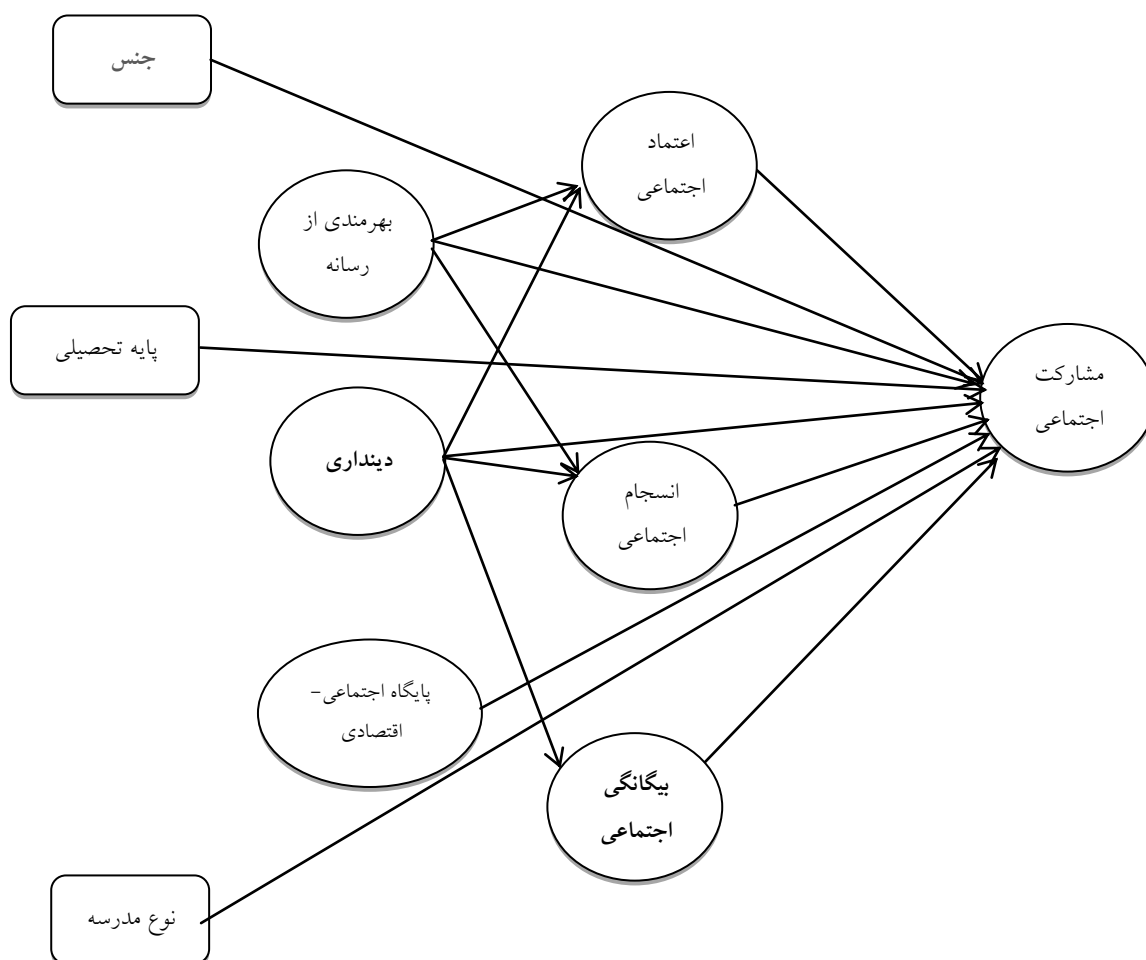
استفاده از وسایل ارتباط جمعی از متغیرهای دیگری است که بر مشارکت اثر می‌گذارد. ژان کازنو<sup>۲</sup> از نظریه‌پردازانی است که درباره اثر وسائل ارتباط جمعی و مشارکت نظر داده است. وی درباره جامعه‌شناسی وسایل ارتباط جمعی می‌گوید: «هر قدر میزان استفاده مخاطب از رسانه بیشتر است، نشان‌دهنده این است که مشارکت اجتماعی وی بیشتر خواهد بود» (الف، ۱۳۸۳: ۱۲۸). لرنر<sup>۳</sup> همدلی افراد را سبب تقویت مشارکت اجتماعی می‌داند و معتقد است که شهرنشینی، سواد و مشارکت رسانه‌ای که در آن جامعه سریع به سمت تولید روزنامه و نشریات و شبکه رادیویی و تلویزیونی در مقیاس وسیع سوق پیدا می‌کند در تعامل متقابلند. گسترش نهادهای اجتماعی سبب افزایش فعالیت افراد در جامعه می‌شود و از نظر روانی، شخصیت مدرن در مقایسه با شخصیت سنتی مشارکت بیشتری دارد (فولادیان و رضانی فرخند، ۱۳۸۷: ۷۶).

<sup>۱</sup>. Dwight Dean

<sup>۲</sup>. Jean Cazneuve

<sup>۳</sup> Lerner

## مدل تحلیلی پژوهش



نمودار ۱- مدل تحلیلی رابطه متغیرهای تحقیق

سال ۱۳۹۱، تعداد کل دانش‌آموزان مدارس دولتی ۷۴۲۱ نفر و تعداد کل دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی ۳۲۹۰ نفر است. برای برآورد حجم نمونه ابتدا مطالعه‌ای مقدماتی روی ۳۰ نفر از دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی به صورت جداگانه انجام گردید تا واریانس صفت مورد مطالعه (میزان مشارکت اجتماعی) مشخص گردد و سپس با استفاده از فرمول کوکران با سطح اطمینان ۹۵ درصد و دقت احتمالی ۵ درصد، حجم نمونه برای دانش‌آموزان مدارس دولتی ۳۱۰ نفر و برای دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی ۳۳۲ نفر مشخص گردید. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای به صورت ترکیبی استفاده شد.

نمودار ۱ مدل تحلیلی رابطه متغیرهای تحقیق را نشان می‌دهد. در سمت چپ مدل، متغیرهای زمینه‌ای نمایش داده شده است و در قسمت میانی، متغیرهای مستقلی که از نظریات تحقیق استخراج شده‌اند و در سمت راست متغیر وابسته تحقیق که مشارکت اجتماعی است قرار دارند.

## روش پژوهش

مطالعه حاضر، به لحاظ اجرا از نوع پیمایشی، از نظر زمانی، مقطعی، به لحاظ ماهیت، کاربردی و به لحاظ وسعت، پهنانگر است. جمعیت آماری تحقیق را کلیه دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی در زمان مطالعه تشکیل می‌دهند که بر اساس آمار اخذ شده از اداره کل آموزش و پرورش یزد در

وسایل ارتباط جمعی زیر تا چه اندازه استفاده می‌کنید؟ (۱) اینترنت؛ (۲) تلویزیون؛ (۳) رادیوهای خارجی؛ (۴) رادیوهای داخلی؛ (۵) روزنامه و مجلات و (۶) ماهواره.

تقدیرگرایی: فرهنگ جامعه شناسی آکسفورد، برای واژه تقدیرگرایی این تعریف را ارائه کرده است: «تقدیرگرایی نظامی از عقاید است که هر چیز را در نهایت تعیین شده می‌داند و از آن با تلاش و کوشش و دانش نمی‌توان اجتناب ورزید و باید صرفاً به صورت یک واقعیت غیر قابل اجتناب زندگی پذیرفته شود. این پدیده تا حدی مورد غفلت جامعه‌شناسان است. اگر چه اغلب تقدیرگرایی به‌عنوان یک خصیصه فقر، بیماری‌های مزمن و افکار بیمار شناخته می‌شود. برای مثال اسکار لوئیس<sup>۳</sup> مدعی است که تقدیرگرایی خصوصیت مرکزی فرهنگ فقر است؛ همان‌گونه که در تز کارگر مطیع مدعی شده است. کیت پارسل<sup>۴</sup> استدلال می‌کند که رفتار زنان در کارهایشان به وسیله یک رویکرد تقدیری به زندگی صورت می‌گیرد و به‌وسیله جامعه‌پذیری جنسی و وضعیت زیستی رشد می‌یابد و به‌خصوص به وسیله شرایط محیطی طبقه و کار دستی کارگران زن تقویت می‌گردد» (رفیعی، ۱۳۸۲: ۱۱). برای سنجش این متغیر ۷ گویه در پرسشنامه گنجانده شده است.

اعتماد اجتماعی: به نظر زتومپکا، اعتماد، فرهنگی است که به صورت پویا از زمان گذشته شروع شده و در زمان‌های حال و آینده تولید و بازتولید می‌گردد و فرآیندی مداوم، مستمر و تمام‌نشده است. او در سبب‌شناسی این فرهنگ و ظهور آن، به عوامل مستقل سطح خرد و کلان اشاره می‌کند. در سطح کلان عوامل ساختاری دوگانه (که به نوعی متضاد هم هستند) از قبیل: (۱) چسبندگی هنجاری و در مقابل آن آنومی هنجاری؛ (۲) ثبات نظم اجتماعی و در مقابل آن تغییرات بنیادی؛ (۳) شفافیت سازماندهی اجتماعی و در مقابل آن پوشیدگی و پنهان‌کاری سازماندهی اجتماعی؛ (۴) آشنابودگی و در مقابل آن غریبگی محیط تعامل افراد و (۵)

ابزار مورد استفاده در این مطالعه، از پرسشنامه است. پرسشنامه پس از احراز اعتبار و پایایی آن در مراحل مقدماتی تحقیق، برای جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز در مرحله نهایی استفاده شد. به‌همین منظور، سعی شد گویه‌هایی که متغیرهای تحقیق را می‌سنجند از گویه‌های تحقیقات پیشین استخراج شوند و یا برای انتخاب بهترین گویه‌ها برای متغیرهای جدید از نظرات محققان و استادان دیگر کمک گرفته شود. سپس در نهایت، یک‌بار دیگر پرسشنامه تدوین شده به اساتید و متخصصان نشان داده شد و از نظرات آن‌ها برای تصحیح پرسشنامه استفاده گردید. بنابراین اعتبار تحقیق حاضر از نوع محتوایی است. در بین متغیرهای مستقل تحقیق، دینداری، میزان استفاده از وسایل جمعی، اعتماد اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، تقدیرگرایی، انسجام هنجاری، پایگاه اقتصادی- اجتماعی و مشارکت اجتماعی سازه بودند.

### تعاریف نظری و عملیاتی

دینداری: دینداری عبارت است از پذیرش تمام یا بخشی از عقاید، اخلاقیات و احکام دینی به‌نحوی که شخص دیندار خود را ملزم به تبعیت و رعایت از این مجموعه بداند» (افشانی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). گلاک و استارک<sup>۱</sup> برای میزان دینداری ابعاد مختلفی (مناسکی، دانشی، عاطفی، پیامدی و اعتقادی) را مطرح کرده‌اند. محققان مختلفی طیف گلاک و استارک را درباره دینداری به شکل بومی در آورده‌اند. برای سنجش میزان دینداری برای هر یک از ابعاد فوق، پنج گویه در پرسشنامه گنجانده شد که از این گویه‌ها در تحقیق افشانی (۱۳۸۵) نیز استفاده شده است.

وسایل ارتباط جمعی: وسایل ارتباط جمعی، مجموع فنون، ابزار و وسایلی است که از توانایی انتقال پیام‌های ارتباطی حسی و یا اندیشه‌ای در یک زمان به شمار بسیاری از افراد و به خصوص در فواصل زیاد برخوردارند (بیرو<sup>۲</sup>، ۱۳۶۶: ۲۱۹). برای سنجش این متغیر از پاسخگو پرسیده شد: از

<sup>3</sup> Oscar Lewis

<sup>4</sup> Kate Parcel

<sup>1</sup> Glock & Stark

<sup>2</sup> Birou

از این گویه‌ها در تحقیق محسنی تبری (۱۳۸۱) نیز استفاده شده است.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی: صرف‌نظر از نام‌های گوناگونی همچون موقعیت طبقاتی یا منزلت اجتماعی که بدان می‌دهند، یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین متغیرهای مستقل در تحلیل رفتارها، ایستارها و عقاید افراد و موقعیت آن‌ها در سلسله مراتب اجتماعی است (فردرو، ۱۳۷۸: ۳۱). برای سنجش این متغیر، محققان از گویه‌ها و سؤالات مختلفی استفاده می‌کنند. در این پژوهش برای سنجش پایگاه اجتماعی-اقتصادی، میزان درآمد خانواده، محل سکونت و سطح تحصیلات والدین از پاسخگویان پرسیده شد.

متغیر اصلی این تحقیق، مشارکت اجتماعی است. مشارکت از نظر لغوی به معنی شرکت کردن است. مشارکت، نوعی رفتار با مردم است که آنان را قادر می‌سازد تا بر حوادث مؤثر بر زندگی‌شان تأثیر قاطع بگذارند. به همین خاطر باید از آزادی کامل و از جمله حق اظهار نظر برخوردارند و دارای اهمیت و ارزش تلقی شوند. مشارکت یک حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و با مسئولیت است. با توجه به این که امروزه در مباحث توسعه، انسان، محور است، طبعاً مشارکت او در امور مربوط به خود بیش از پیش مطرح می‌شود (تقوی، ۱۳۸۴: ۳۴). دو شکل اصلی مشارکت اجتماعی، مشارکت رسمی و مشارکت غیر رسمی است. مشارکت رسمی به معنی مشارکت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و باشگاه‌های مختلف رسمی است. مشارکت غیر رسمی در برگیرنده دو نوع مشارکت اتفاقی و پایدار است: مشارکت اتفاقی شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم است، مثل همکاری با خیریه‌هایی که برای کمک به محرومان و افراد خاص عمل می‌کنند. مشارکت پایدار شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که نسبتاً دائمی و همیشگی هستند مثل خیریه‌های دائمی، گروه‌های دائمی جوانان و دوستان قدیمی و گروه‌های هنری و مذهبی (پناهی و پزدان پناه، ۱۳۸۳: ۷۱).

برای سنجش این متغیر از دانش‌آموزان خواسته شد تا نظرات خود را درباره گویه‌های زیر اعلام کنند: (۱) چه قدر در

مسئولیت‌پذیری سایر افراد و نهادها و در مقابل بی‌مسئولیتی و خودرأیی افراد را مطرح می‌کند. در سطح خرد نیز به کنشگران اشاره دارد که خود دارای دو بعد است؛ در بعد اول به ویژگی‌های شخصیتی افراد و در بعد دوم، به سرمایه جمعی و شخصی افراد اشاره می‌کند که این سرمایه نه با خصوصیات شخص افراد بلکه به چیزی که از جامعه در اختیار آن‌هاست اشاره دارد (Sztompka, 1991:119-131). اعتماد اجتماعی در چهار بعد (اعتماد نهادی، اعتماد محیطی، اعتماد تعمیم یافته و اعتماد بین‌شخصی) سنجیده شد. برای سنجش میزان اعتماد اجتماعی برای هر یک از ابعاد فوق، چهار گویه در پرسشنامه گنجانده شد که این گویه‌ها در تحقیق افشانی و همکاران (۱۳۸۹) و افشانی و همکاران (۱۳۹۱) نیز استفاده شده است.

انسجام هنجاری: این مفهوم که توسط زتومپکا مطرح می‌شود یکی از عوامل ساختاری تعیین‌کننده در میزان اعتماد است و بدین معناست که هنجارها (اخلاق، آداب و رسوم و قوانین) تا چه حدی توسط افراد جامعه رعایت می‌شوند و در مقابل آنومی دورکیم<sup>۱</sup> مطرح می‌شود. هرچه قدر این هنجارها رعایت شدند و ضمانت اجرایی کافی داشته‌اند انسجام هنجاری بیشتر است (کاظمی‌جغناپ، ۱۳۸۱: ۹۲). برای سنجش این متغیر، از هفت گویه استفاده گردید که این گویه‌ها در تحقیق کاظمی‌جغناپ (۱۳۸۱) نیز استفاده شده است.

بیگانگی اجتماعی: بیگانگی و ابعاد آن نظیر بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، بیگانگی فرهنگی و بیگانگی از خود، یکی از پدیده‌های اجتماعی است که در اکثر فرهنگ‌ها به عنوان یک معضل و مسأله اجتماعی شناخته شده است. ملوین سیمن با دیدگاه روان‌شناختی نسبت به بیگانگی نگرینسته است و اساس دیدگاهش بر شش مؤلفه بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری، انزوای اجتماعی، بیگانگی فرهنگی و بیگانگی از خویشتن استوار است (Seeman, 1965:353). محققان مختلفی از نظر سیمن برای سنجش بیگانگی اجتماعی بهره گرفتند. در این پژوهش برای سنجش میزان بیگانگی برای هر یک از ابعاد فوق، سه گویه در پرسشنامه گنجانده شد که

<sup>۱</sup> Durkheim Anomie

اجتماعی (۰/۹۰۱)، اعتماد اجتماعی (۰/۸۱)، انسجام اجتماعی (۰/۸۳۳)، تقدیرگرایی (۰/۷۰۳) و بیگانگی اجتماعی (۰/۷۴۴) نشانگر قابل قبول بودن دقت سنجش و در نتیجه قابل اعتماد بودن آن است. با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، برای آزمون فرضیات از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، تی و رگرسیون استفاده شده است.

### یافته‌های تحقیق

یافته‌های تحقیق در دو بخش توصیفی و استنباطی گزارش می‌گردد:

### تحلیل توصیفی

براساس اطلاعات جدول ۱، ۴۸/۳ درصد (۳۱۰ نفر) از پاسخگویان در مدارس دولتی و ۵۱/۷ (۳۳۲ نفر) در مدارس غیر انتفاعی مشغول به تحصیل هستند. از این تعداد، ۵۱/۴ درصد (۳۳۰ نفر) دختر و ۴۸/۶ درصد (۳۱۲ نفر) پسر هستند.

جدول ۱- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب نوع مدرسه و جنس

نوع مدرسه	تعداد	درصد	جنس	تعداد	درصد
دولتی	۳۱۰	۴۸/۳	دختر	۳۳۰	۵۱/۴
غیرانتفاعی	۳۳۲	۵۱/۷	پسر	۳۱۲	۴۸/۶
جمع	۶۴۲	۱۰۰	جمع	۶۴۲	۱۰۰

همچنان که در جدول ۲ مشاهده می‌گردد، ۳۴/۹ درصد (۲۲۴ نفر) از دانش‌آموزان، پایه اول، ۲۴/۹ درصد (۱۶۰ نفر) پایه دوم، ۲۴/۵ درصد (۱۵۷ نفر) پایه سوم و ۱۵/۷ درصد (۱۰۱ نفر) پایه چهارم هستند. نمای سنی پاسخگویان ۱۶ و حداقل و حداکثر سن موجود در نمونه مورد بررسی به ترتیب ۱۴ و ۱۹ است. جدول ۲ نشان می‌دهد میزان مشارکت ۱۶/۴ درصد (۱۰۵ نفر) از دانش‌آموزان پایین، ۶۵/۷ درصد (۴۲۲ نفر) متوسط و ۱۷/۹ درصد (۱۱۶ نفر) بالاست.

مراسم عزای همسایگان و هم‌محله‌ای‌ها شرکت می‌کنید؟ (۲) چه قدر در مراسم جشن هم‌کلاسی‌های خود شرکت می‌کنید؟ (۳) چه قدر علاقه دارید با خانواده خود به گردش بروید؟ (۴) چه قدر در رفع مشکلات درسی هم‌کلاسی‌های خود شرکت می‌کنید؟ (۵) چه قدر به شرکت در مراسم عزاداری مذهبی در مسجد محله خود تمایل دارید؟ (۶) چه قدر به برپایی مراسم مذهبی در مدرسه خود علاقه دارید؟ (۷) چه قدر به برپایی مراسم مذهبی در محله خود کمک می‌کنید؟ (۸) چه قدر تمایل دارید با دوستان و هم‌کلاسی‌های خود به گردش دسته‌جمعی بروید؟ (۹) چه قدر علاقه دارید در مهمانی‌های فامیلی شرکت کنید؟ (۱۰) چه قدر علاقه دارید در مهمانی‌های دوره‌ای هم‌کلاسی‌هایتان شرکت کنید؟ (۱۱) چه قدر در رفع مشکلات هم‌کلاسی‌های خود شرکت می‌کنید؟ (۱۲) چه قدر علاقه دارید در جشن نیکوکاری شرکت کنید؟ (۱۳) چه قدر تمایل دارید به افراد زلزله‌زده کمک کنید؟ (۱۴) چه قدر تمایل به شرکت در طرح اکرام ایتمام دارید؟ (۱۵) چه قدر تمایل دارید در گردهمایی‌هایی که از طرف مسئولان مدرسه برگزار می‌شود، شرکت کنید؟ (۱۶) چه قدر علاقه دارید در جلسات فرهنگی، اجتماعی که در مدرسه برگزار می‌شود، شرکت کنید؟ (۱۷) چه قدر تمایل دارید داوطلبانه، در اجرای مراسم صبحگاه شرکت کنید؟ (۱۸) چه قدر تمایل دارید به صورت داوطلبانه، جزء انتظامات مدرسه شوید؟ (۱۹) چه قدر تمایل دارید داوطلبانه، در تدارکات جشن‌های مدرسه شرکت نمایید؟ (۲۰) چه قدر تمایل دارید داوطلبانه، در بخش‌های فرهنگی مدرسه (فرزآنگان، بسیج و...) شرکت نمایید؟ (۲۱) چه قدر تمایل دارید در جشنواره‌ها شرکت کنید؟

در مجموع مشارکت اجتماعی با ۲۱ گویه در طیف ۵ قسمتی (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) مطرح گردید. برای سنجش پایایی، از تکنیک هم‌انگهی درونی گویه‌ها استفاده گردید. ضریب آلفای محاسبه شده برای سازه مشارکت

جدول ۲- توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب پایه تحصیلی، سن و میزان مشارکت

پایه	تعداد	درصد	آماره سن	مقدار	میزان مشارکت اجتماعی		
					سطح	دامنه	تعداد درصد
اول	۲۲۴	۳۴/۹	نما	۱۶	۲۱-۴۸	۱۰۵	۱۶/۴
دوم	۱۶۰	۲۴/۹	انحراف معیار	۰/۰۴۲	۴۹-۷۷	۴۲۲	۶۵/۷
سوم	۱۵۷	۲۴/۵	حداقل	۱۴	۷۸-۱۰۵	۱۱۶	۱۷/۹
چهارم	۱۰۱	۱۵/۷	حداکثر	۱۹	۲۱-۱۰۵	۶۴۲	۱۰۰/۰
جمع	۶۴۲	۱۰۰/۰	دامنه تغییرات	۵	میانگین: ۶۳/۰۰	انحراف معیار: ۱۶/۲۶۹	

آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول ۳ گزارش شده است:

جدول ۳- آماره‌های توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد گویه	دامنه			انحراف معیار
		امتیازات نظری	حداقل نمره	حداکثر نمره	
بهره‌مندی از رسانه	۶	۶-۳۶	۶	۲۶	۴/۸۳۰
اعتماد	۲۲	۲۲-۱۱۰	۲۴	۸۵	۹/۷۴۴
دینداری	۱۵	۱۵-۷۵	۱۸	۶۰	۶/۸۰۰
انسجام هنجاری	۸	۸-۴۰	۱۲	۳۵	۶/۰۱۶
بیگانگی	۲۲	۲۲-۱۱۰	۳۰	۱۰۲	۱۰/۴۰۳
تقدیرگرایی	۷	۷-۳۵	۷	۳۲	۴/۷۵۳
مشارکت اجتماعی	۲۱	۲۱-۱۰۵	۲۴	۱۰۰	۱۶/۲۶۹

### آزمون فرضیات

برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شده است که خروجی آن در جدول ۴ منعکس شده است:

با توجه به دامنه امتیازات به لحاظ نظری، می‌توان وضعیت متغیرهای بهره‌مندی از رسانه، اعتماد اجتماعی و انسجام هنجاری را در وضعیت پایین‌تر از متوسط و نامطلوب ارزیابی کرد ولی وضعیت متغیرهای دینداری، بیگانگی اجتماعی، تقدیرگرایی و مشارکت اجتماعی در وضعیت بالاتر از متوسط و مطلوب است.

جدول ۴- خروجی آزمون تی تک‌نمونه‌ای برای سنجش میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان

مدرسه	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
مدارس دولتی	۳۱۰	۶۴/۹۲	۱۶/۴۱۲	۲/۰۵۹	۳۰۹	۰/۰۴۰
مدارس غیرانتفاعی	۳۳۲	۶۱/۲۱	۱۵/۹۵۳	۲/۲۴۰	۳۳۱	۰/۰۴۲
کل	۶۴۲	۶۳	۱۶/۲۶۹	۰/۰۰۵	۶۴۱	۰/۹۹۶

شده است ولی در مجموع، میانگین مشارکت دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری از حد متوسط ندارد ( $\text{Sig} = 0/996$ ). برای سنجش تفاوت مشارکت اجتماعی در بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی و جنس دانش‌آموزان در هر دو نوع مدرسه از آزمون تی استفاده شده است که خروجی آن در جدول ۵ منعکس شده است:

از آن‌جا که دامنه امتیازات گویه‌های مشارکت اجتماعی از ۲۱ تا ۱۰۵ است، میانگین دامنه مزبور ۶۳ است لذا میانگین مشارکت اجتماعی نمونه مورد مطالعه با ۶۳ به عنوان میانگین نظری میزان مشارکت اجتماعی مقایسه شده است. جدول ۴ نشان می‌دهد که میانگین مشارکت اجتماعی در مدرسه دولتی به طور معنی‌داری بیشتر از حد متوسط ( $64/92$ ) و در مدرسه غیر انتفاعی به طور معنی‌داری کمتر از حد متوسط ( $61/21$ )

جدول ۵- آزمون تی برای مقایسه میزان مشارکت اجتماعی در گروه‌های مختلف

متغیر	گروه‌ها	میانگین	t	سطح معنی‌داری
مدارس	دولتی	۶۴/۹۲	۲/۸۹۸	۰/۰۰۴
	غیرانتفاعی	۶۱/۲۱		
جنس	دختر	۶۲/۴۷	۰/۸۵۵	۰/۳۹۳
	پسر	۶۳/۵۷		
جنس در مدارس دولتی	دختر	۶۴/۷۸	۰/۱۷۴	۰/۸۶۲
	پسر	۶۵/۴۴		
جنس در مدارس غیرانتفاعی	دختر	۵۹/۷۶	۱/۵۲۸	۰/۱۲۷
	پسر	۶۲/۴۴		

برای بررسی رابطه سایر متغیرهای مستقل تحقیق با میزان مشارکت اجتماعی و با توجه به این‌که این متغیرها در سطح فاصله‌ای اندازه‌گیری شده‌اند، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است که نتایج این آزمون‌ها در جدول ۶ گزارش شده است:

خروجی جدول ۵ نشان می‌دهد که میانگین میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی به طور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی شده است ( $\text{Sig} = 0/004$ ) ولی تفاوت معنی‌داری بین مشارکت اجتماعی در کل و به تفکیک مدارس بین دانش‌آموزان دختر و پسر وجود ندارد.

جدول ۶- ماتریس همبستگی مرتبه صفر بین متغیرهای مستقل با مشارکت اجتماعی

مشارکت	پایگاه	بهره‌مندی از رسانه	اعتماد	دینداری	بیگانگی	تقدیرگرایی
۰/۱۰۰*						
۰/۲۳۳***	۰/۲۳۶***					
۰/۲۴۸***	۰/۰۴۱	-۰/۰۳۴				
۰/۳۹۳***	-۰/۲۰۹***	-۰/۰۷۵	۰/۲۷۹***			
-۰/۳۰۰***	۰/۰۲۶	۰/۰۶۱	-۰/۳۲۹***	-۰/۳۰۴***		
۰/۰۴۶	-۰/۰۲۱	۰/۰۰۸	-۰/۰۳۲	۰/۰۴۷	۰/۰۹۳*	
۰/۱۲۷**	-۰/۱۰۲*	-۰/۰۸۶*	۰/۳۹۳***	۰/۲۶۵***	-۰/۰۶۹	۰/۰۴۸

اما بین تقدیرگرایی و میزان مشارکت اجتماعی آن‌ها رابطه معناداری وجود ندارد. در ادامه از رگرسیون چندگانه با روش گام‌به‌گام برای بررسی تأثیر متغیرهای مستقل معنادار بر مشارکت اجتماعی استفاده شده است.

همان‌گونه که در جدول ۶ ملاحظه می‌شود، بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی، اعتماد اجتماعی، دینداری و انسجام هنجاری و میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد و بین میزان بیگانگی اجتماعی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی (به جز مدارس دولتی) با میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان رابطه معکوس و معناداری وجود دارد

جدول ۷- رگرسیون چندگانه برای سنجش اثر متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت اجتماعی

متغیرهای مستقل	بتا	سطح معنی‌داری
پایه تحصیلی	-۰/۳۷۸	۰/۰۰۰
دینداری	۰/۲۹۷	۰/۰۰۰
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰
بیگانگی اجتماعی	-۰/۱۴۴	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-۰/۱۲۶	/۰۰۰
اعتماد اجتماعی	۰/۰۸۷	۰/۰۰۸

#### تحلیل مسیر

برای تعیین چگونگی تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است.

متغیرهای پایه تحصیلی، دینداری، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، بیگانگی اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و اعتماد اجتماعی همبستگی معنی‌داری با میزان مشارکت اجتماعی دارند.

جدول ۸- اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان

متغیرهای مستقل	نوع اثر		کل
	مستقیم	غیر مستقیم	
پایه تحصیلی	-۰/۳۷۸	—	-۰/۳۷۸
دینداری	۰/۲۹۷	۰/۰۶۸	۰/۳۶۵
استفاده وسایل ارتباط جمعی	۰/۲۴۳	—	۰/۲۴۳
بیگانگی	-۰/۱۴۴	—	-۰/۱۴۴
پایگاه اجتماعی - اقتصادی	-۰/۱۲۶	—	-۰/۱۲۶
اعتماد اجتماعی	۰/۰۸۷	—	۰/۰۸۷

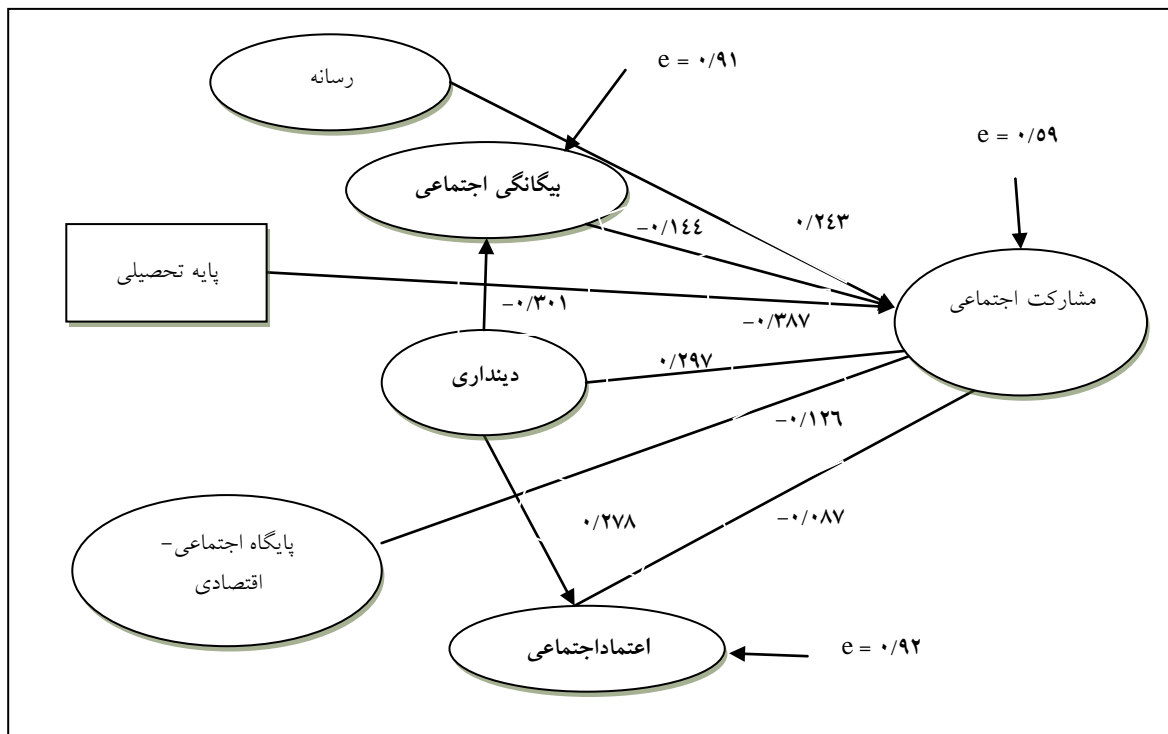
جدول ۹- ضریب همبستگی چندگانه و ضریب تبیین متغیرهای مستقل

R	R square	Adjusted R square
۰/۶۴۸	۰/۴۱۹	۰/۴۱۴



درصد از واریانس میزان مشارکت اجتماعی را توضیح داد. مابقی تغییرات متغیر وابسته به دلیل پیچیدگی متغیر وابسته تحقیق؛ یعنی میزان مشارکت اجتماعی و همچنین به حساب نیامدن برخی از متغیرهایی است که بر این متغیر تأثیرگذار هستند.

از مجموع متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون، شش متغیر مستقل تأثیر معنی‌داری بر متغیر وابسته داشته‌اند. از بین متغیرهای باقی‌مانده در مدل رگرسیون، پایه تحصیلی، دینداری و میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی در مجموع بیشترین تأثیر را بر میزان مشارکت اجتماعی داشته‌اند. با استفاده از واریانس ترکیب خطی متغیرهای مستقل می‌توان بیش از ۴۱



نمودار ۲- مدل مسیر رابطه متغیرهای مختلف با میزان مشارکت اجتماعی

پایه‌های تحصیلی پایین‌تر (متوسطه اول) مشارکت اجتماعی پایین‌تری دارند.

#### بحث و نتیجه

در بحث مبانی نظری و تحقیقات پیشین در رابطه با مشارکت اجتماعی و متغیرهایی که با آن‌ها در ارتباطند، مشخص گردید که عوامل مختلفی بر مشارکت اجتماعی تأثیر می‌گذارند. در این قسمت به بحث در مورد برخی از این متغیرهای اثرگذار بر میزان مشارکت اجتماعی پرداخته می‌شود.

همان‌طور که در مدل تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، پایه تحصیلی ( $\beta = -0.387$ ) بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی دارد. دومین متغیر، تأثیرگذار دینداری ( $\beta = 0.297$ ) و رسانه، سومین متغیر تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی است؛ به عبارت دیگر، افرادی که به میزان بیشتری از رسانه‌های جمعی استفاده می‌کنند و همچنین افرادی که از سطح بالاتری از دینداری برخوردارند مشارکت اجتماعی بالاتری دارند. از طرف دیگر، دانش‌آموزان پایه‌های تحصیلی بالاتر (متوسطه دوم) در مقایسه با دانش‌آموزان

هر قدر میزان استفاده مخاطب از رسانه بیشتر است، مشارکت اجتماعی وی بیشتر خواهد بود. لرنر (1964) نیز معتقد است افزایش استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند: روزنامه و نشریات، شبکه رادیویی و تلویزیونی سبب گسترش نهادهای اجتماعی و بالطبع سبب افزایش مشارکت و فعالیت افراد در جامعه می‌شود. بنابراین نتایج این پژوهش همسو با نظرات کازنو و لرنر است. پیشنهاد می‌شود اصحاب رسانه با ساختن برنامه‌هایی در زمینه مشارکت، به خصوص در برنامه‌های کودک و نوجوان به الگوسازی برای نوجوانان مبادرت کنند.

از دیگر نتایج این پژوهش، وجود رابطه معنادار بین میزان اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت دانش‌آموزان دولتی، غیر انتفاعی و کل دانش‌آموزان است که با نتایج پژوهش قدیمی (۱۳۸۶)، سفیری و صادقی (۱۳۸۸) و نوزری و بختیاری (۱۳۸۸) همسو است. کلمن (۱۳۷۷) اعتماد را یکی از پیش شرط‌های اساسی مشارکت معرفی می‌کند. پاتنام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های اصلی معرفی می‌کند که به مشارکت به طور متقابل وابسته است. وی معتقد است که اعتماد، مشارکت را تسهیل می‌کند و هر اندازه سطح اعتماد بالاتر رود، احتمال مشارکت نیز بیشتر است و این دو متقابلاً بر هم اثر می‌گذارند (Putnam, 1995). راجرز (به نقل از موسوی، ۱۳۸۴) در نظریه خرده فرهنگ دهقانی خود معتقد است در جوامع سنتی نبود اعتماد متقابل در روابط شخصی، مانع مشارکت افراد می‌شود و در جوامعی که اعتماد به هر شکل وجود داشته است احتمال مشارکت بیشتر خواهد بود.

از دیگر نتایج این پژوهش آن است که رابطه معنادار و مستقیمی بین میزان دینداری با میزان مشارکت اجتماعی کل دانش‌آموزان، دانش‌آموزان مدارس دولتی و دانش‌آموزان غیر انتفاعی وجود داشته است. الوانی و شیروانی (۱۳۸۰) معتقدند دین و مذهب می‌تواند منشأ مشارکت افراد باشد، مانند حضور و فعالیت افراد در امور مساجد، تکایا، کلیساها و اماکن مذهبی و زیارتی. همچنین وبر (به نقل از فوکویاما، ۱۳۷۹) معتقد است مذهب شبکه اعتمادی در بین افراد ایجاد می‌کند که این به

نتایج تحقیق حاضر حاکی از آن بود که میانگین میزان مشارکت اجتماعی در دانش‌آموزان مدارس دولتی بیش از متوسط و در دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی کمتر از حد متوسط است. دامنه امتیازات گویه‌های مشارکت اجتماعی از ۱۰۵-۲۱ بود و میانگین نظری که میانگین مشارکت اجتماعی نمونه مورد مطالعه با آن مقایسه شد برابر ۶۳ است. نتیجه این مقایسه این است که میانگین مشارکت اجتماعی در نمونه‌های مدارس دولتی بزرگ‌تر ولی در مدارس غیر انتفاعی کوچک‌تر از میانگین نظری است و تفاوت بین میانگین نمونه و میانگین نظری در نمونه‌های مورد بررسی معنی‌دار است. همچنین میانگین میزان مشارکت کل دانش‌آموزان ۶۳ - یعنی برابر میانگین نظری به دست آمد.

نتیجه دیگر، وجود رابطه معنادار معکوس بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی و کل دانش‌آموزان با مشارکت اجتماعی و رابطه نداشتن پایگاه اجتماعی-اقتصادی با مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی است. این نتایج با نتایج پژوهش محسنی‌تبریزی (۱۳۸۲)، نوزری و بختیاری (۱۳۸۸) و علی‌پور و همکاران (۱۳۸۸) همسو نیست. کونن، هانتینگتون و دوایت‌دین<sup>۱</sup> نیز معتقد به وجود رابطه مستقیم و مثبت بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی با مشارکت هستند؛ در حالی که نتایج این پژوهش گواه بر وجود رابطه منفی بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی با مشارکت است. در این مورد می‌توان گفت در مدارس غیر انتفاعی بیشتر محیط رقابتی و نمره‌محور وجود دارد و دانش‌آموزان به سمت فردگرایی گرایش بیشتری پیدا می‌کنند.

بین استفاد از رسانه و میزان مشارکت دانش‌آموزان، چه در مدارس دولتی چه در مدارس غیر انتفاعی، رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد، این نتیجه با نتایج پژوهش محسنی‌تبریزی (۱۳۸۲) و جهان و همکاران (۱۳۹۰) هماهنگ و همسو است. کازنو<sup>۲</sup> (به نقل از الفت، ۱۳۸۳) از نظریه پردازانی است که در مورد رابطه وسایل ارتباط جمعی و مشارکت نظر داده، معتقد است

<sup>۱</sup> Cohen, Huntington, Dwight Dean

<sup>۲</sup> Cazeneuve

بین انسجام هنجاری و مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان دولتی، دانش‌آموزان غیر انتفاعی و دانش‌آموزان کل مدرسه رابطه معناداری وجود دارد. کلمن (۱۳۷۷) معتقد است آنچه سبب مبادله در اجتماعات مختلف می‌شود، انسجام هنجاری است که با ضمانت‌های اجرایی همراه است و سبب تقویت اعتماد می‌شود. چلبی (۱۳۷۵) نیز نظم اجتماعی را مبتنی بر انسجام هنجاری می‌داند. هنجارهایی که امکان پیش‌بینی رفتار دیگران را میسر می‌سازند و زمینه همکاری و مشارکت افراد را با یکدیگر فراهم می‌آورند و در مجموع، به همبستگی اجتماعی منجر می‌شوند. از نظر وی اعتماد اجتماعی یکی از مشخصه‌های همبستگی اجتماعی است که پیوند نزدیکی با عناصر نظم اجتماعی دارد و اعتماد اجتماعی سبب شکل‌گیری مشارکت اجتماعی می‌شود.

#### پیشنهاد‌های تحقیق

با توجه به اهمیت زیادی که مشارکت برای افراد یک جامعه به ویژه نسل جوان هر جامعه دارد پیشنهاد می‌شود مدارس با استفاده از بروشورها، روزنامه‌های دیواری و... فرهنگ مشارکت را در بین دانش‌آموزان به ویژه دانش‌آموزان مدارس غیر انتفاعی رواج دهند.

معلمان نیز از افراد تأثیرگذار هستند که دانش‌آموزان، از آن‌ها الگو برداری می‌کنند، لذا پیشنهاد می‌شود معلمان با رفتار خود دانش‌آموزان را به مشارکت در کلاس ترغیب کنند.

متصدیان آموزش و پرورش می‌توانند با گنجاندن مطالب درسی با محتوای مشارکت، به گسترش فرهنگ مشارکت در بین دانش‌آموزان بپردازد.

از آن‌جا که بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و مشارکت رابطه معناداری در بین دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی به دست آمد، پیشنهاد می‌شود اصحاب رسانه با ساختن برنامه‌هایی در زمینه مشارکت، به ویژه در برنامه‌های کودک و نوجوان به الگوسازی برای نوجوانان مبادرت کنند.

با توجه به رابطه معنادار دینداری و مشارکت اجتماعی،

نوبه خود به مشارکت منجر می‌شود، ایوانز (۱۳۷۹) نیز رفتار دینی را گامی برای ایجاد مشارکت اجتماعی معرفی می‌کند. در مجموع می‌توان گفت نتایج پژوهش حاضر با نظرات این نظریه پردازان همسو است؛ لذا توصیه می‌شود مدارس از ظرفیت دینداری دانش‌آموزان به خصوص برای برپایی مراسم صبحگاه و قرآن‌خوانی، مشارکت در مسابقات قرآنی و احکام استفاده نمایند تا مشارکت برای دانش‌آموزان امری نهادینه شود.

بین میزان بیگانگی اجتماعی و میزان مشارکت اجتماعی کل دانش‌آموزان، دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر انتفاعی، رابطه معنادار و معکوسی وجود دارد. این نتیجه با پژوهش‌های سفیری (۱۳۸۸) و زکی (۱۳۸۸) همسو است. سیمن (1966) معتقد است که اگر افراد دچار بیگانگی اجتماعی شوند و احساس کنند که کنش آن‌ها در ساختن دنیای آن‌ها بیهوده است و احساس بی‌قدرتی به آن‌ها دست دهد، هرگز وارد مشارکت و مباحثه نمی‌شوند. اگر افراد احساس کنند که مشارکت آن‌ها فایده‌ای ندارد، وارد کنش مشارکتی نمی‌شوند. ماری لوین<sup>۱</sup> (به نقل از محسنی تبری، ۱۳۷۵) نیز با اشاره به تیپولوژی سیمن معتقد است گروه‌های کم درآمد جامعه، بیشتر احساس بی‌قدرتی می‌کنند و کمتر مشارکت دارند. مرتون (به نقل از محسنی تبری، ۱۳۷۰) معتقد است انسان‌ها در شرایط متفاوت کنش‌های متفاوتی از خود بروز می‌دهند. وی همچنین معتقد است وقتی جامعه کلاً بر فرد کنترل داشته است، فرد احساس نوعی بی‌قدرتی خواهد کرد و هدف و هنجار از دید وی پوچ و بی‌محتوا می‌شود و تنها در صورتی دچار انزوا شود در مسائل پیرامون خود شرکت نمی‌کند. در هر صورت نتایج پژوهش حاضر با نظر این سه نظریه پرداز هم‌جهت و همسو است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود مدارس با ایجاد جو دوستانه و برگزاری اردوهای مدرسه‌ای برای گسترش این جو، بیگانگی اجتماعی را کاهش دهند و سبب افزایش مشارکت در بین دانش‌آموزان شوند.

<sup>1</sup> Marie Levine

در این پژوهش تعدادی از متغیرهای تأثیرگذار بر مشارکت اجتماعی بررسی شده که در مجموع توانسته است بیش از ۴۱ درصد از تغییرات میزان مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان را تبیین؛ لذا پیشنهاد می‌شود پژوهشگران دیگر ضمن بررسی متغیرهای معنادار این پژوهش، به بررسی متغیرهای دیگر که بر مشارکت اثر می‌گذارند نظیر نوگرایی، عام‌گرایی، آینده‌نگری و... بپردازند.

از آنجا که این پژوهش صرفاً در یک جامعه آماری (یزد) صورت گرفته است باید این محدودیت مورد نظر قرار گیرد و در تعمیم نتایج احتیاط لازم به عمل آید.

#### منابع

- آتال، ی. و اوین، ا. (۱۳۷۹). *درگیر ساختن مردم فقیر، پرسش‌های فراوان*، ترجمه: ایرج پاد، تهران: سروش.
- ازکیا، م. (۱۳۷۴). *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: اطلاعات.
- اسداللهی، ر.؛ حسین‌زاده، ع.؛ محسنی‌تبریزی، ع. و نبوی، ح. (۱۳۹۲). «سبک زندگی شهری و مشارکت اجتماعی شهروندان سالمند اهوازی؛ یک پیمایش منطقه‌ای»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۱، ص ۱-۱۶.
- افشانی، ع. (۱۳۸۵). *تبیین جامعه‌شناختی گرایش به خرافات*. پایان‌نامه دکتری، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- افشانی، ع.؛ فاضل‌نجف‌آبادی، س.؛ حیدری، م. و نوریان، نجف‌آبادی، م. (۱۳۸۹). «پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۹، ۱۸۵-۲۱۷.
- افشانی، ع.؛ احمدی، ا.؛ نوریان، م. و زارعان، ا. (۱۳۹۱). «تحلیلی بر رابطه بین میزان دینداری و میزان اعتماد اجتماعی»، *مطالعات امنیت اجتماعی*، ش ۲۹، ص ۱۷۵-۱۹۹.

توصیه می‌شود مدارس از ظرفیت دینداری دانش‌آموزان به ویژه برای برپایی مراسم صبحگاه و قرآن‌خوانی، مشارکت در مسابقات قرآنی و احکام استفاده نمایند تا مشارکت برای دانش‌آموزان امری عادی تلقی شود.

با توجه به رابطه معنادار و معکوس بین بیگانگی اجتماعی دانش‌آموزان و مشارکت اجتماعی پیشنهاد می‌شود مدارس با ایجاد جو دوستانه و برگزاری اردوهای مدرسه‌ای برای گسترش این جو، بیگانگی اجتماعی را کاهش و سبب افزایش مشارکت در بین دانش‌آموزان شوند.

با توجه به رابطه معنادار و مستقیم بین اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی، مدارس می‌توانند با ایجاد فضای صمیمی اعتماد دانش‌آموزان را نسبت به یکدیگر افزایش دهند و این افزایش اعتماد سبب افزایش مشارکت در بین دانش‌آموزان شود.

با توجه به این که این پژوهش در شهر یزد صورت گرفته، پیشنهاد می‌شود در سایر شهرها و استان‌ها نیز انجام شود تا امکان مقایسه بین شهرها و استان‌ها به لحاظ عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی فراهم آید.

بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته در رابطه با مشارکت اجتماعی از جمله پژوهش حاضر مقطعی است و گرچه پژوهش مقطعی کارکردهای متعددی دارد اما نیاز است تا با یک فواصل زمانی، این پژوهش‌ها تکرار شوند تا روند تغییرات مشارکت اجتماعی در بین افراد و عوامل تأثیرگذار بر آن دقیق‌تر شناسایی شود. این به نوبه خود می‌تواند مددی برای مسئولان ذی‌ربط باشد تا با داشتن چشم‌اندازی از آینده، به سیاست‌گذاری‌های مناسب بپردازند.

اکثریت قریب به اتفاق پژوهش‌هایی که در زمینه مشارکت انجام گرفته از نوع پیمایشی و کمی است؛ لذا پیشنهاد می‌شود در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر مشارکت، پژوهش‌های کیفی چون فراتحلیل انجام گیرد تا تمام عوامل مؤثر بر مشارکت و مبانی نظری مشارکت که از نظر پژوهشگران بررسی شده است شناخته و مشخص شود.

- الفت، س. (۱۳۸۳). مجموعه گفت‌وگو با صاحب‌نظران رسانه: حال و آینده رادیو، تهران: تحقیق و توسعه رادیو.
- الوانی، م. و شیروانی، ع. (۱۳۸۰). «سرمایه اجتماعی مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مدیریت، ش ۳۳-۳۴، ص ۳-۲۶.
- ایوانز، د. (۱۳۷۹). «بررسی مجدد رابطه دین و جرم؛ اثرات دین، کنترل‌های غیردینی و محیط اجتماعی بر بزهکاری بزرگسالان»، ترجمه: علی سلیمی، روش‌شناسی علوم انسانی (حوزه و دانشگاه)، ش ۲۳، ص ۱۴۲-۱۷۸.
- بنی‌فاطمه، ح. و رسولی، ز. (۱۳۹۰). «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۱(۴۱)، ص ۱-۲۶.
- بیرو، آ. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پارسامهر، م. و اسکندری‌فرد، ا. (۱۳۹۲). «اعتماد اجتماعی و رابطه آن با مشارکت اجتماعی (مورد مطالعه: شهر یزد)»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۲، ص ۲۵۳-۲۸۵.
- پناهی، م. و یزدان‌پناه، ل. (۱۳۸۳). «اثر ویژگی‌های فردی بر مشارکت اجتماعی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۲۶، ص ۶۹-۱۰۷.
- پناهی، م. و دهقانی، ح. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر سادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۴۷(۳)، ص ۵۰-۸۰.
- تقوی، ن. (۱۳۸۴). «مشارکت اجتماعی و توسعه روستایی»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱، ص ۲۷-۴۵.
- توفیقیان‌فر، ع. و حسینی، ا. (۱۳۹۱). «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (نمونه: جوانان شهر یاسوج)»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناسی جوانان، ش ۸، ص ۴۵-۵۸.
- جهان، ج.؛ سعیدی‌پور، ب. و فاطمی، ع. (۱۳۹۰). «بررسی رابطه بین میزان استفاده از چند رسانه‌ای‌ها و جذب دانش‌آموزان به مشارکت در فعالیت‌های پرورششی»، نشریه الکترونیکی *Journals.miau.ac.ir*، ص ۱-۲۳.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم، تهران: نشر نی.
- دهقان، ع. و غفاری، غ. (۱۳۸۴). «تبیین مشارکت اجتماعی- فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، ش ۱، ص ۶۷-۹۸.
- رحیمی، ع. (۱۳۷۲). بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی و عوامل آموزش و میزان مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های دبیرستان‌های شیراز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، شیراز: دانشگاه شیراز.
- رضادوست، ک.؛ حسین‌زاده، ع. و عابدزاده، ح. (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر در مشارکت اجتماعی شهروندان، جامعه شهری شهر ایلام»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۳، ص ۹۷-۱۱۰.
- رضایی، ع. (۱۳۷۵). «مشارکت اجتماعی؛ وسیله یا هدف توسعه»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۱۱۰-۱۰۹، ص ۵۴-۶۳.
- رفیعی، م. (۱۳۸۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر میزان تقدیرگرایی مطالعه‌ای در شهر فردوس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زکی، م. (۱۳۸۸). «بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)»، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۳، ص ۲۵-۵۱.
- زکی، م. و خشوعی، م. (۱۳۹۲). «سلامت اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین شهروندان شهر اصفهان»،

- مطالعات جامعه‌شناختی شهری، ش ۸، ص ۷۹-۱۰۸.
- سراج‌زاده ح؛ قصابی، ر. و چمنی، س. (۱۳۹۱). «بررسی رابطه دینداری و بیگانگی اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس)»، فصلنامه راهبردی اجتماعی فرهنگی، ش ۵، ص ۱۰۳-۱۲۵.
- سروش، م. و افراسیابی، ح. (۱۳۸۹). «سرمایه اجتماعی، هویت و مشارکت اجتماعی جوانان شیراز»، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۵، ص ۱۲۳-۱۵۵.
- سفیری، خ. و صادقی، م. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی دانشجویان دختر دانشکده‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های شهر تهران و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، جامعه‌شناسی کاربردی، ش ۲، ۱-۳۴.
- سفیری، خ. و تمیز، ر. (۱۳۹۰). «فرا تحلیل مطالعات مشارکت اجتماعی»، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ش ۳، ص ۱۲۱-۱۳۲.
- سلیمی، ف. (۱۳۸۹). «مشارکت اجتماعی در مدرسه»، رشد آموزش علوم اجتماعی، ش ۳، ص ۵۸-۶۲.
- عباس‌زادگان، م. (۱۳۷۲). بررسی روش‌های جلب مشارکت دانش‌آموزان در اداره امور مدرسه، چهارمین سمپوزیوم جایگاه تربیت، نقش تربیتی معلم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، دفتر مشاوره و تحقیق امور تربیتی.
- عطافر، ع؛ سهرابی‌رنانی، م. و صادق‌زاده‌تبریزی، م. (۱۳۹۲). «نقش مهارت‌های مدیریت تنوع فرهنگی مدیران در ارتقای سطح بهره‌وری مدارس (با استفاده از سنجش مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان)»، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، ش ۲(۲)، ص ۹۹-۱۲۸.
- علمی، م؛ تقی‌لو، ف. و موسی‌زاده، ر. (۱۳۸۹). «بررسی رابطه بیگانگی اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد نقده»، مطالعات جامعه‌شناسی، ش ۶، ص ۱۳۱-۱۵۴.
- علی‌پور، پ؛ زاهدی، م. و شیبانی، م. (۱۳۸۸). «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه اعتماد و مشارکت در شهر تهران)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۵.
- علیزاده، س؛ محسنی، م؛ خان‌جانی، ن. و مومن‌آبادی، و. (۱۳۹۳). «همبستگی بین مشارکت اجتماعی زنان با کیفیت زندگی آنان در شهر کرمان»، فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت، ش ۲، ص ۳۴-۴۲.
- فتحی، س. و فدوی، ج. (۱۳۹۰). «بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان در نواحی منطقه ۵ شهر تهران»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ش ۷، ص ۹۳-۱۰۹.
- فردرو، م. (۱۳۷۸). پایگاه اقتصادی-اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی (منطقه ۳ و ۱۹ شهر تهران)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). پایان نظم: سرمایه اجتماعی و حفظ آن، مترجم: غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- فولادیان، م. و رمضانی‌فرخند، ا. (۱۳۸۷). نظریه‌ها و پارادایم‌های مشارکت در جامعه‌شناسی، مشهد: سخن‌گستر.
- قدیمی، م. (۱۳۸۶). «بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان»، پژوهشنامه علوم انسانی، فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، ش ۵۳، ص ۳۲۵-۳۵۶.
- کاظمی‌جغناپ، ح. (۱۳۸۱). نقش اعتماد در سازمان‌های علمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تبریز: دانشگاه تبریز.

- کلانتری، ع.؛ بشیری گیوی، ح. و غلامی شاهسوارلو، س. (۱۳۹۱). «بررسی جامعه‌شناختی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر از خود بیگانگی اجتماعی شهرنشینان شهر گیوی»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۳، ص ۵۳-۶۳.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۶۹). *بررسی زمینه‌های مشارکتی روستائیان و ارتباط آن با ترویج کشاورزی*. تهران: معاونت ترویج و مشارکت مردمی وزارت جهاد سازندگی.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۷۰). «بیگانگی، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲، ص ۲۵-۷۲.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۱). «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۲۶، ۱۱۹-۱۸۲.
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۲). *بررسی مشارکت سیاسی بانوان در ۲۸ استان کشور*، تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- مظلوم خراسانی، م.؛ نوغانی، م. و خلیفه، م. (۱۳۹۱). «بررسی میزان مشارکت اجتماعی مردم در شهر مرودشت و عوامل مؤثر بر آن در سال ۱۳۸۷»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۵(۱)، ص ۵۰-۸۰.
- موسوی، م. (۱۳۸۴). «تحلیل مشارکت اجتماعی در تهران (رویکرد خرده-فرهنگ دهقانی راجرز)»، *رفاه اجتماعی*، ش ۱۹، ص ۳۰۱-۳۲۷.
- موسوی، م. (۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ش ۲۳، ص ۶۷-۹۲.
- میرموسوی، ع. (۱۳۷۵). «مبانی دینی و فرهنگ سیاسی مشارکت»، *نقد و نظر*، سال دوم، ش ۸-۷، ص ۸۶-۱۱۱.
- نوابخش، م.؛ رضایی، م. و رحیمی، م. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ش ۱۰، ص ۱-۲۷.
- نوروزی، ف. و بختیاری، م. (۱۳۸۸). «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، *فصلنامه راهبرد*، ش ۵۳، ص ۲۴۹-۲۶۹.
- نیازی، م. و بحری‌پور، ع. (۱۳۹۳). «بررسی رابطه بین شبکه مشارکت اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان کاشان)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۲۴، ص ۲۹-۵۸.
- وثوقی، م. و ساری، م. (۱۳۹۲). «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیقی در شهر تهران)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۳، ص ۹۸-۱۰۸.
- وکیلی، پ. (۱۳۶۲). *مقایسه میزان آگاهی و مشارکت سیاسی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان‌های تهران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- Bekke, R. (2003) "Participation in Voluntary Associations: Resources, personality, or both? Conference of the European", the 5Th Conference of the European Sociological Association. Helsinki.
- Lerner, D. (1964) *The passing of Traditional society*, New York, The Macmillan com.
- Mcneal, R.B. (1998) "High School Extracurricular Activities: Close Structures and Stratifying Pattern of Participation", *Journal of Education Research*, 91(3): 183-191.
- Midgely, J. (1986) *Community Participation, Social Development and the State*. London: Methuen.

- Roiste, A. Kelly, C. Molcho, M. Gavin, A. and Gabhainn, SN. (2012) "Is School Participation Good for Children? Associations with Health and Wellbeing", *Health Ed*, 112(2): 88-104.
- Silliker, S.A. & Quirk, J.T. (1997) "The Effect of Extracurricular Activity Participation on the Academic Performance of Male and Female High School Student", *Journal of School Counselor*, 44(4): 288-293.
- Sztompka, P. (1999) *Trust a Sociological Theory*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Mustapha, Siti M. Rahman, N. and Yunus, MD. (2010) "Factors Influencing Classroom Participation: A Case Study of Malaysian Undergraduate Students", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 9: 1079-1084.
- Price, B. (2002) "Social Capital and Factors Effecting Civic Engagement as Reported by Leaders of Voluntary Associations", *The Social Science Journal*, 1(39): 119-127.
- Putnam, R. (1995) "Bowling Alone: America's Declining Social Capital", *In Journal of Democracy*, 6: 65-78.
- Redfield, R. (1930) *A Mexican Village*, Chicago: University of Chicago Press.